

تفسیر چند اصطلاح نجومی در قرآن - بخش اول

«... و خداوند زمین را گستراند»

سید عیسی مسترحمی

خداوند در سوره نازعات پس از این که از بنای آسمان و برافراشتن ستون هایش و روشنی و تاریک کردن آن سخن می گوید، به دحو الارض اشاره می کند. در سوره شمس نیز پس از قسم به آسمان و بناکننده آن، به زمین و طحونکننده آن قسم خورده است. از آنجا که لغویون و مفسران دو واژه دحو و طحون را به یک معنا دانسته اند و برای آن دو، معانی یکسانی ارائه داده اند، ما این دو ویژگی را یکجا مورد بررسی قرار می دهیم.

آیات

"والارض بعد ذلك دحاها؛" و بعد از آن زمین را گسترش داد. (نازعات/۳۰)
 "والارض و ما طحاها؛" و سوگند به زمین و آن که آن را بگسترانید. (شمس/۶)

بحث لغوی

در کتب لغت برای واژه "دحو و طحو" این معانی ذکر شده است:

- ۱- گسترش دادن
- ۲- راندن
- ۳- حرکت دادن و بردن
- ۴- پرتاب کردن
- ۵- غلطاندن
- ۶- کندن و جدا کردن
- ۷- آماده سازی

معانی ذکر شده را می توان در دو گروه تقسیم بندی کرد و آنها را به دو معانی کلی و اصلی باز گرداند:

الف) بسط و گسترش به جهت آماده سازی
 ب) از جانکدن و چابک کردن و حرکت دادن
 اگر مواد از دحو در آیه شریفه، "گسترش دادن" باشد، معنی آیه ۳۰ سوره نازعات این می شود که: "زمین را پس از آسمان بگستراند"، و در صورتی که مراد، "حرکت دادن" باشد، معنی آن است که: "زمین را پس از آسمان به حرکت درآورد."

دیدگاه های مفسران و دانشمندان

الف) مرحوم طبرسی "دحو" را در آیه شریفه به معنای گسترش دادن می داند و می نویسد: "خداوند بعد از آفرینش آسمان، زمین را پهن نمود و گسترش داد." ایشان از ابن عباس نقل می کنند که گفته است: "البته خداوند متعال زمین را پس از آسمان گسترش داد اگر چه زمین پیش از آسمان آفریده شده ولی در زیر کعبه مجتمع بود و سپس خداوند آن را پهن نمود."

ب) علامه ذوالفقون ابن کثیر شاعرانی بعد از این که لغت دحو را به معنی "گسترش" دانسته اند، می نویسد: "مراد از ارض در این آیه شریفه کره زمین، بلکه خشکی است، مقابل دریا و کوه. کوه و آب از زمین نیستند و به مقتضای این آیه، خشکی زمین که ربع مسکون می نامند پس از خلقت اولین پدید آمد. چون سطح کره خاک را آب از همه جانب فراگرفته بود و این خشکی که بر حسته و از آب بیرون آمده مانند جزیره ای است که از قعر دریا برچهد و بالا آید و به تدوین پهن و گسترش و بزرگ شود."

ایشان سپس به نظریه دانشمندان پیرامون احاطه داشتن آب بر کل کره زمین و خروج خشکی از زیر آب اشاره می کنند.

ج) تفسیر نمونه "طحاها" را به معنای گسترش زمین و خروج آن از زیر آب می داند ولی با ذکر معنای "راندن" می گوید: "برخی معتقدند این تعبیر اشاره اجمالی به حرکت انتقالی و وضعی دارد."

نویسندگان تفسیر نمونه این احتمال را رد نمی کنند. اگر کسی بگوید که دحو در آیه شریفه نمی تواند به معنای بسط و گسترش باشد و چنین استدلال کند که این معنا با کرویت زمین سازگاری ندارد، زیرا زمین گرد است نه بیسوط و پهن؛ در پاسخ او باید گفت: بسط و گسترش هر چیز متناسب با خود آن چیز است. مثلاً بسط فرش به معنای پهن کردن آن در طول و عرض است و بسط دادن چیزی مثل توپ، به معنای انبساط آن در جمیع جهات است چرا که توپ یک شیء کروی است و بسط آن باید متناسب با کرویت آن باشد.

د) علامه طباطبایی واژه دحو را به معنی "غلطاندن" می داند و از این تعبیر در آیه شریفه ۳۰ سوره نازعات حرکت وضعی زمین را استفاده کرده اند و می نویسد: "هزار سال پیش از آن که گالیله از حرکت زمین به دور خود سخن گوید، قرآن به صراحت از چرخش زمین بحث کرده است." ایشان در ادامه به استعمال مشتقات ماده دحو در نهج البلاغه و برخی روایات اشاره می کنند و می نویسد: "در احادیث اهل بیت علیهم السلام به قدری از آن بحث گردیده است که "دحو الارض" زبانزد همگان شده است."

ه) سید هبه الدین شهرستانی نیز دلالت این آیه شریفه بر حرکت زمین را روشن می داند. ایشان با استناد

به قول برخی لغویون و ذکر برخی قرآنیان از روایات، دحو را در آیه شریفه به معنای "حرکت دادن" می داند و به عبارت معروف "داحی باب خبیر" که از صفات حضرت علی علیه السلام است استنباط می کند که به معنای "از جانکده و پرتاب کننده در خبیر" است.

در ادامه روایت دحو الارض را ذکر می کنند که: "فلما خلق الله الارض دحاها من تحت الکعبه ثم بسطها علی الماء، فاحاطت بكل شیء." (و چون خداوند زمین را خلق کرد آن را از زیر کعبه حرکت داد سپس آن را بر روی آب پهن کرد پس بر تمام چیزها مسلط شد) و می نویسد: "در این روایت، دحو به معنای تحریک است چرا که اگر به معنای بسط بود "ثم بسطها" تکرار و زاید می گشت."

و) احمد محمد سلیمان، از نویسندگان عرب، این آیات را مورد بررسی قرار داده و می نویسد: "اگر "طحا" به معنی انداختن یا دفع کردن باشد، معنی آیه این است که خدا قسم خورده به انداختن و دفع زمین در فضا؛ و اگر به معنی جدا کردن باشد، معنی آیه این است که خدا قسم خورده به جدا کردن زمین که جزئی از منظومه شمسی بوده است."

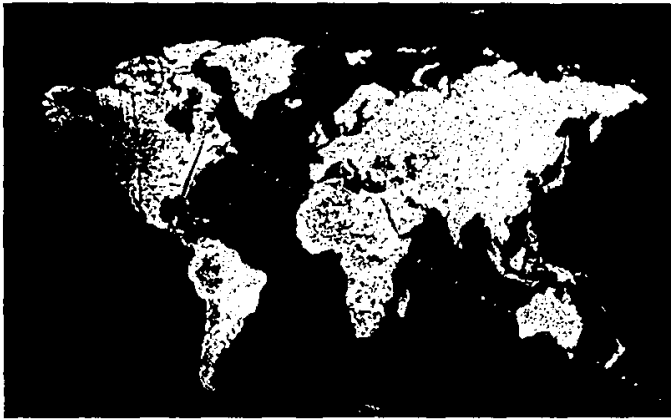
ج) برخی دیگر از نویسندگان اگر چه دحو را در آیه شریفه به معنی "حرکت دادن" می دانند، ولی بسط و گسترش زمین را از لوازم حرکت آن دانسته اند. این تفسیر دکترو صادقی در این باره می نویسد: "دحو به معنی پهن کردن زمین، نتیجه معنای لغوی "دحو الارض" است که به حرکت درآوردن است، زیرا آن هنگامی که کره زمین به حرکت و گردش در آمده و از جایگاه خود رانده شد، توده ای روان و آتشین بود و در اثر حرکات گوناگون، به خصوص حرکت دورانی، هم به صورت کره درآمد و هم بر وسعت و پهنای آن به اندازه قابل ملاحظه افزوده شد."

سید هبه الدین شهرستانی نیز به این مطلب این گونه اشاره می کنند: "اگر دحو به معنای غلطاندن باشد، کرویت را می توان از آن فهمید و جمله "فاحاطت بكل شیء" هم در روایت بالا از روایت دحو الارض می تواند مؤیدی باشد؛ چرا که احاطه جسم، کنایه از تدویر و گردی آن است و مقصود از شیء، قطعات اجزای زمین است. آرای متأخرین از دانشمندان نیز بر همین است که زمین اول به وجود آمد و سپس متحرک و غلطان شد و از این حرکت و غلطیدن، کرویت پیدا شد."

ط) برخی از نویسندگان عرب با ذکر معنای خاصی برای واژه "دحو"، آیه را

این مطلب توسط مؤسسه "قرآن و علم" تهیه شده است.
 نشانی: قم، خیابان معلم، معلم ۹، جنب هتل یشرب، کوچه شهید محمد حسن احمدی، کوئ نور، پلاک ۹۱
 صندوق پستی: ۴۱۶-۳۷۱۸۰
 تلفن: پیامگیر، شماره: ۰۲۵۱-۷۷۳۹۰۰۲
 وبسایت: www.quran.com

صریح در بیان کرویت زمین می دانند و می نویسند: "و عن اتخاذ الارض شكلها الكروي الحالى يقول المولى عز وجل "والارض بعد ذلك دحاها" و تشير معاجم اللغه ان كلمة دحاها تمنى انها جملنا كالدحیه اى كاليفسه." (و در مورد شکل گرفتن زمین به صورت کره، خداوند عز و جل می فرماید: "و زمین را بعد از آن گستراند او تخم مرغی



شکل قرار داد!" و کتب لغت به این نکته اشاره دارند که مراد از کلمه دحاها این است که: آن را مانند دحیه، یعنی تخم مرغ، قرار داد.)

نقد و بررسی

برخی از لنتخانان و مفسران قدیم، کلمه دحو را در آیه شریفه فقط به "گسترش" تفسیر کرده اند؛ که به احتمال قوی، بیان این معنا به عنوان تنها تفسیر از این واژه، به خاطر احاطه و تسلط هیئت بطلموسی بر افکار آن زمان بوده است که زمین را ساکن می دانست. اما بسیاری از لغویون، حرکت دادن را معنای دیگر ماده "دحو" ذکر کرده اند. در نهایت می توان گفت آیات مورد بحث، به حرکت وضعی و انتقالی زمین اشاره دارند؛ هر چند ممکن است بسط و گسترش نیز در آیه شریفه مراد باشد. خلاصه این که این آیه می تواند هر دو معنا را در خود داشته باشد.^۱

پی نوشت:

۱- اما ادعای صراحت داشتن آیه در کرویت زمین، نمی تواند درست باشد؛ چرا که بر خلاف ادعای قائلین به این تفسیر، هیچ کدام از کتب لغت، "دحو" را به معنای تخم مرغ ندانسته اند و آن چه در کتب لغت آمده این است که: به آیه شریفه "تخم مرغ" "دحی النعام" گفته می شود و آن هم بدین خاطر است که او با پای خود خاک و سنگریزه ها را کنار می زند و آن را به اطراف پرتاب می کند و آیه شریفه خود را آماده می سازد (معجم معانی اللغه / ۳۲۴)